

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم وېر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نوشتۀ: رَلف رُودلف و اُوِه مَرکوس  
Ralf Rudolph und Uwe Markus  
ترجمه از المانی:

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین – دوم مارچ ۲۰۱۶

## عقب نشینی مُهاجمان

(قسمت دوم)

از چار روز بدین طرف اوربندی در جبهات جنگی سوریه نافذ گردیده است، که مجال نفس کشیدن به مردم بلاکشیده و به جان رسیده این کشور شامتی را میسر گردانیده است.

ترجمه قسمت اول این مضمون در صفحه مؤرخ ۲۸ فبروری تقدیم گردید؛ یکجای با مقدمه مترجم. اینک قسمت دوم و آخر مقاله از نظر خواننده گرامی گذشتانده می شود:

معروفی – برلین، اول مارچ ۲۰۱۶

## سقوط دادن طیاره "سو - ۲۴" روسی:

قبلاً سقوط دادن طیاره جت بم انداز روسی نوع "سو - ۲۴" در ماه نومبر پارسال، به طرف ستون پنجم (استخبارات) ترکیه اشاره می کرد. حملات طیارات جنگی روسیه، که بر گوریلاهای ترکمنی در مناطق سرحدی ترکیه صورت می گرفت، واضحاً فعالیت‌های مرکزی و اهداف ستراتیژیک ترکیه را مختل می ساخت. چون مهمترین مسیر اکمالات ملیشه ها از قریه "یمادی" سوریه می گذرد، که در شرق کوهستان ترکمن واقع است و قوای دافع هوای ترکیه هم طیاره روسی را در همین منطقه سرنگون ساختند. بدین ترتیب فهمیده می شود، که چرا روسیه در

زمینه عکس العمل شدیدی از خود نشان داد. درینجا تنها مرگ پیلوت و ضایعه طیاره عسکری روسیه در میان نبود، بلکه این امر نیز مد نظر بود، تا واضح گرداند، که ترکیه درین منطقه تفوق نظامی خود را می خواهد تثبیت نماید.

پیلوت و کوپیلوت/کشاف طیاره ضربه دیده "سو - ۲۴" توانستند خود را با پراشوت نجات دهند، ولی طیاره شان، که مشتعل گشته بود، چار کیلومتر دور تر از سرحد ترکیه در خاک سوریه سقوط کرده، منفجر گشت. بالای هر دو پیلوت، که با پراشوت پائین می آمدند، از طرف شورشیان ترکمنی از زمین فیرهای مسلسل ماشیندار صورت گرفت، که باعث قتل "اولگ پشکو" Oleg Peschkow؛ یعنی پیلوت گردید. قرار گزارشی، که احتمالاً از حلقات شورشیان ترکمنی درز کرده، پیلوت می کوشید تا خود را با پراشوت، به منطقه تحت کنترل قوای دولتی سوریه رسانده و در همانجا پیاده گردد. نظر به همین معلومات، شورشیان که می خواستند مانع این کار شوند، بالای پیلوت فیر کردند. معاون قومندان لواهای ترکمنی، موسوم به "الپ ارسلان چلیک"، که خود ترک است و فرزند یک سیاستمدار دست راستی، به گزارش خودش، پیلوت را در حالی به قتل رساند، که از پراشوت کشال بود. این خیر را پورتال خبری ترکیه موسوم به Serihaber و روزنامه "حریت" گزارش دادند. "الپ ارسلان"، که با استخبارات ترکیه موسوم به MIT ارتباط دارد، در سال ۲۰۱۴ به گروه شورشی ترکمن مورد حمایت امریکا و ترکیه، پیوست. پدرش عضو حزب دست راستی MHP (گرگهای خاکستری) ست و زمانی رئیس بلدیة شهر "کبان" Keban بود.

این ماجرا نشان می دهد، که گوریلاهای ترکمنی از طرف کدام مرجعی وظیفه فعالیت در خاک سوریه را گرفته اند. از نگاه مقامات ترکیه مهم اینست، که این گوریلاها هم به مقابل گردان سوریه دست به عملیات بزنند و هم به ضد قوای دولتی سوریه. جنگ به مقابل داعش، در درجه دوم قرار دارد، و خود ترکیه مگر در خفاء با این گروه تروریستی، در داد و ستد است. قطعات داعش با اسلحه ای اکمال می شوند، که قسماً "سی آی ای" در دسترس می گذارد. لواهای ترکمنی شاخه "علویة الشهر" Alwiya al-Ashar و چوچه هایش از قبیل "لواهای کوهستان ترکمن" درین ارتباط مورد التفات خاص می باشند. از بهر مثال این استخبارات ترکیه موسوم به MIT است، که توظیف مشاوران عسکری و فعالیت قومندانهای بسا قطعات ترکمنی را، که از طرف ترکیه مأمور گشته اند، تنظیم می نماید. بدین ترتیب ترکیه بدون این، که از آستانه یک مداخله مستقیم نظامی بگذرد، جریان جنگ را زیر کنترل خود گرفته، و در رسته اول می خواهد جلو تشکیل یک دولت کردی را در خاک سوریه بگیرد.

## اعلامیة میونشن:

چون این مناسبات به کدرهای رهبری عسکری سوریه و روسیه معلوم بود، طیارات روسی از اواسط ماه نومبر ۲۰۱۵ با موافقه اردوی سوریه به بمباردمان متداوم سنگرها و کومندوهای شورشیان ترکمنی در کوهساران ترکمنی - کُردی موسوم به Bayir-Bucak، در شرق ولایت "هاتای" ترکیه، پرداخت. ازین رو می توان حدس زد، که سقوط دادن طیاره روسی، قبلاً از طرف ترکیه پلان شده بود. اردوان بدین ترتیب خواست از یک طرف منافع ترکیه را درین منطقه سرحدی سوریه، واضحاً به روسیه وانمود کند، و از طرف دیگر به اقلیتهای ترکمنی مورد حمایت خود نشان بدهد، که نمی تواند شاهد سقوط آنها باشد. وی بالنسبه مطمئن بود، که درین

زمینه از حمایت ناتو برخوردار است و در قسمت اتحادیه اروپائی، که ناخنِ افگارِ "پناهجویان" را در دست داشت؛ ازین رو انتظار نداشت، که ازین طرف هم مورد انتقاد قرار گیرد. اما قماربازانِ انقره، عکس العمل روسیه را در زمینه کاملاً غلط تخمین کرده بودند. روسیه که یگانه قدرت خارجی می باشد، که مطابق به نورمهای بین المللی به خواش دولت سوریه درین جنگ به مداخله پرداخته است، نه از نگاه نظامی و نه از نگاه سیاسی می تواند قبول کند، که ترکیه با عملیات مخفی نظامی و استخباراتی خود، به حیث یک طرف جنگی و از موقف خصمانه، به بحران پنجه اندازد. ازین رو قطعات گوریلائی مورد حمایت ترکیه، باید به مانند جبهه النصره و داعش با عین قاطعیت مورد ضربه قرار گیرند.

قاطعیتی که اردوی سوریه در تهاجمات فعلی از خود نشان می دهد، حاکی از آنست، که سوریه می خواهد به ظفر سریع نظامی دست یابد. ترکیه باید قبول کند، که سیاستش در جنگ افروزی مخفی در سرزمین همسایه، منجر به ناکامی می باشد. و این کاری ست، که موقف اردوان را در مذاکرات با دمشق، سست می سازد. الترناتیف ترکیه مگر تنها این خواهد بود، که به مداخله مستقیم و با قوای عسکری منظم وارد میدان گردد - البته تحت پوشش حمایت از حقوق پناهندگان - که این کار یقیناً با خطرات جدی نظامی توأم خواهد بود. و این کاری ست، که مقامات تصمیمگیری اردوی ترکیه متوجه آن خواهند بود. دران صورت ترکیه عضو پیمان ناتو، به حیث متجاوز در جنگی قلمداد خواهد گردید، که قدرت ذروی روسیه در آن منهمک است. این که موقف پیمان ناتو دران حالت از چه قرار خواهد بود، سناریوئی ست، که هیچ کس نمی خواهد آخرش را حدس بزند.

چنین خطرات غیر قابل پیش بینی، از کنترل برآمدن جنگ فعلی سوریه و تبدیل شدن آن به بحران ماروای منطقه است، که اطراف متخاصم را، هشدار می دهد، تا به اوربند مد نظر به توافق برسند؛ و این نکته ای بود، که در کانفرانس امنیت میونشن بر آن تأکید ورزیده شد. این قطعنامه لاقول چانسی ست، که قطع جنگ و گذر به حل سیاسی بحران را پیش می کشد. حالا مگر نوبت به جناح مخالف و قطعات جنگنده شورشی رسیده، و در درجه اول این شورشیان اند، که باید به چنین اوربندی تن دهند. البته فوق العاده مشکل خواهد بود، که موافقه تمام قومندانان بیشمار میدانهای جنگ جهت قطع آتش و ختم جنگ گرفته شود.

البته اظهارات وزیر خارجه روسیه، سرگی لاوروف، که خارج قوس گرفتن ترورستان - یعنی قطعات جبهه النصره و داعش - از اوربند را پیش کشیده است، مسأله را معلق می گرداند. مگر هردو گروپ در ساحات جنگی چوچه ها و زوزادهای فراوانی دارند، که با دسته های دیگر جنگی ضد حکومت سوریه، نطقه وار همکاری و معامله می کنند. فاصله نهادن بین گروپهای ترور و دسته های به اصطلاح معتدل اسلامی، باریکی دارد، که با تعاریف غرب جور نمی آید. در چنین حالتی، چه طور می توان تصمیم گرفت، که با که باید سخن گفت و به مقابل که باید جنگید؟ و از طرف دیگر، چه طور می توان تضمین کرد، که امدادها به مردم ملکی مناطق جنگزده برسد، نه این که از آن در جهت اكمال شورشیان استفاده گردد؟ ازین خاطر نباید انتظاراتی بسیار بزرگ از تصمیمنامه میونشن داشت.

(پایان)